

Original Article

Analysis of Citizenship Rights in the Constitutionalism Era's Constitution and Islamic Republic of Iran's Constitution

Nurollah Sadeghkhan¹, Muhammad Javad Ja'afari^{2*}, Iraj Ranjbar³

1. PhD student, general law, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran.

2. Assistant Professor of Law and Political Science, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran. (Corresponding author) Email: dr.jafari14@gmail.com

3. Assistant Professor of Law and Political Science, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran.

Received: 26 Aug 2020 Accepted: 4 Des 2020

Abstract:

Objective and Background: In Every Country, the Constitution is the Document Rendering Coherent the Relations Between the Nation and the Government. The Contemporary History of Iran Has Accommodated Two Laws, Namely the Constitutionalism Era's Constitution and Islamic Republic of Iran's Constitution. The Present Study Aims at Historical Investigation of the Citizenship Rights' Evolutions in the Abovementioned Constitutions.

Ethical Considerations: Trustworthiness, Honesty and Content Originality are the Principles Completely Observed in the Present Article From the Beginning to the End.

Materials and Methods: The Present Descriptive-Analytical Research Has Been Compiled Through Taking Notes From Library Resources.

Study Findings: As Signified by the Study's Findings in Regard of the Trends of the Citizenship Rights' Historical Evolutions in the Constitutionalism Era's Constitution And Islamic Republic of Iran's Constitution, Regulations Have Advanced Towards the Preservation of the Human Veneration and Observance of the Citizenship Rights.

Conclusion: It Was Found Out in a Study of the Trends of the Abovementioned Constitutions That Each Has Its Own Specific Properties and That Each is Different Somewhat in Terms of the Citizenship Rights From the Other in Such a Way That the Individuals' Citizenship Rights Were Not Being Respected the Way They Deserved in the Constitutionalism Era's Constitution; As an Example, There Was no Principle in the Foresaid Constitution for Respecting the Women's Rights Whereas the Islamic Republic of Iran's Constitution Has Paid a Lot of Attention to This Important Matter. These Two Laws are Also Different in Terms of Quantity and Quality in Such a Manner That the Constitutionalism Era's Constitution is a Lot Smaller in Volume Than Islamic Republic of Iran's Constitution; as for the Individuals' Legitimate Freedoms, They Had not Been Given so Much Room in the Constitutionalism Era's Constitution.

Keywords: Law; Citizenship Rights; Islamic Republic of Iran's Constitution; Constitutionalism Era's Constitution

Please cite this article as: Sadeghkhan N, Ja'afari M J, Ranjbar I. Analysis of Citizenship Rights in the Constitutionalism Era's Constitution and Islamic Republic of Iran's Constitution. *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 209-223.

تحلیل حقوق شهروندی در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران

نورالله صادق‌خانی^۱، محمدجواد جعفری^{۲*}، ایرج رنجبر^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: dr.jafari14@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: قانون اساسی در هر کشوری سند انسجام‌بخش روابط بین ملت و حکومت می‌باشد تاریخ معاصر ایران دو قانون را در خود جای داده است که قانون مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد هدف ما در این مقاله بررسی تاریخی تحولات حقوق شهروندی در قوانین فوق‌الاشعار می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در روند نگارش مقاله از ابتدا تا پایان با اتکا به اصول امانتداری، صداقت و اصالت محتوا رعایت گردیده است.

مواد و روش‌ها: در این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای تدوین گشته است.

یافته‌های تحقیق: یافته‌ها حاکی از این است که در سیر تحولات تاریخی حقوق شهروندی در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین به سمت؛ حفظ کرامت انسانی و رعایت حقوق شهروندی پیش رفته است.

نتیجه‌گیری: با مطالعه در سیر دو قوانین مذکور، هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند و تفاوت‌هایی را در زمینه‌های حقوق شهروندی نسبت به یکدیگر دارند به گونه‌ای که در قانون اساسی مشروطه حقوق شهروندی اشخاص آنچنان که بایسته و شایسته است مورد احترام نبود مثلاً در قانون اساسی مشروطه هیچ اصلی به حقوق زنان توجه نکرده است در حالی که در حقوق اساسی جمهوری اسلامی به این مهم پرداخته شده است از لحاظ کمی و کیفی نیز این دو قانون با هم تفاوت دارند. به گونه‌ای که حجم اصول پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی مشروطه بسیار کمتر از قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد و درخصوص آزادی‌های مشروع اشخاص نیز در قانون مشروطه حقوق و آزادی‌های افراد در قانون جایگاهی نداشت.

کلید واژگان: حقوق؛ حقوق شهروندی؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ قانون اساسی مشروطه

مقدمه

مهم‌ترین قرارداد اجتماعی و بالاترین تأسیس و سند سیاسی حقوقی هر ملت و دولتی، قانون اساسی آن جامعه است. قانون اساسی ایران نیز، قرارداد اجتماعی و میثاق ملی است که نهادهای اساسی ملت و دولت را در جهت تأمین و تحقق حقوق شهروندان بیان می‌کند. وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران در قرن بیستم، تفاوت‌های کثیری خاصه در بعد فرهنگی به دنبال داشت که با جلوگیری از وحدت قومی، قدرت خود را تثبیت کند. آنان (پادشاهان قاجار) با دامن زدن به اختلافات محلی - میان حیدری و نعمتی‌ها در شوشتر، اصفهان، قزوین، شیراز، میان شیخی‌ها و مشترعه‌ها در تبریز، میان کریم‌خانی‌ها و متشرعه‌ها در کرمان، میان شاهسون‌ها، افشارها، کردها، ترکمن‌ها و فارس‌ها در شمال شرق و میان لرها، افشارها، بختیاری‌ها، فارس‌ها و اعراب در جنوب غرب، حضور خود را در مناطق دورافتاده حفظ می‌کردند و اطرافیان خود را به حکمرانی ایالات می‌گماشتند (۱). از دید اقتصادی، به لحاظ منابع موجود در ایران، وجود ۱۴ نوع آب و هوای گوناگون، وسعت سرزمینی، مرز آبی طویل ۱۸۸۰ کیلومتری در جنوب کشور، بهره‌مندی از ذخایر قابل توجه از کلیه منابع انرژی به ویژه انرژی‌های نفت و گاز و دریای خزر را می‌توان نام برد. این توانمندی‌های و نیروی انسانی جوان، علی‌القاعده باید در تحقق آرمان شهروندی اجتماعی ایرانیان عامل مؤثری باشد. سؤالی که ما در این مقاله با آن مواجه هستیم این بود که؛ در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درخصوص حقوق شهروندی چه تغییراتی داشته است؟

۱- اهمیت موضوع تحقیق

حقوق شهروندی از معانی مدرن و از لوازم حیات بشری دموکراتیک اشخاص در یک اجتماع سیاسی به حساب می‌آید. حقوق شهروندی، مسئله‌ای است که شناخت حیطة آن و دقت نظر به آن به واسطه عموم شهروندان ضروری است از اسباب مثمر در ملاحظه قانون و الزام اشخاص اجتماع به رعایت قانون و قانون‌مداری، آگاهی و شناخت این حق قانونی است و حتی شناخت وافی از این حقوق از اسباب اساسی پیشگیری از بروز

جرم در اجتماع است واحدی از رکن‌های مثبت تکوین امنیت اجتماعی در اجتماع به حساب می‌آید. تجربه نشان داده است که اشخاص اجتماع، قبل از آنکه بی‌عدالتی و تبعیض واقعی را ببینند؛ از احساس بی‌عدالتی و تبعیض رنج می‌برند و عدم آگاهی از حقوق اساسی و شهروندی دلیل عمده این احساس است. مسائل تعداد قلیلی از حقوق از حاکمیت، آگاهانه و منطبق بر حق قانونی است. اشخاص به منزله شهروند، همچنان که حقوق و آزادی‌هایی دارند که حکومت و اجتماع مکلف است از آن‌ها حمایت کند، تکالیف و تعهداتی نیز در قبال حکومت و اجتماع دارند.

۲- پیشینه تحقیق

۱- جهانگیر، زهرا؛ کاوه پیشقدم، محمدکاظم (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان: بررسی تطبیقی جایگاه حقوق شهروندی زنان در قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده‌اند که: «حقوق شهروندی زنان به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مفاهیم حقوقی، مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است که زنان به واسطه عضویت در جامعه و برقراری رابطه با دولت از آن بهره‌مند می‌شوند. در جمهوری اسلامی ایران این حقوق توسط قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی و سایر قوانین و مقررات مورد حمایت قرار گرفته است».

۲- پروین، خیرالله (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان: ریشه‌های حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی در شریعت اسلام به این نتیجه رسیده است که: «حق‌های بشری، حق‌های بنیادینی هستند که برای همگان محفوظ است. این حقوق مقوم ذات انسانی‌اند و غیر قابل سلب می‌باشند، اما حقوق شهروندی متفاوت از حقوق بشر، ناظر به حقوقی هستند که افراد جامعه، به خاطر وفاداری به سعادت جمعی شهروندان که در قالب حمایت از حاکمیتی مشروع می‌باشد، از آنها بهره می‌برند و مبتنی بر تضییق و توسعه حق‌های بشری می‌باشند. طبق این تعریف پذیرفته شده، هر نظام حقوقی با توجه به شرایط اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی، اقلیمی و محیطی و سایر عوامل، حق‌های شهروندی را احصا کرده و قواعد نظام حقوق شهروندی مخصوص به خود را خواهد داشت».

۳- هدف از مطالعه با توجه به مطالعات قبلی

هدف ما در این مقاله این است که حقوق شهروندی که در مقالات پیشین مبهم مانده است، را با بررسی تطبیقی قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین نماییم.

۴- روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای تهیه و تدوین گردیده است.

۵- مقایسه یافته‌های تحقیق با مطالعات مشابه

در این مقاله ما با بررسی تطبیقی و همه‌جانبه به صورت مقایسه‌ای قانون سابق و لاحق اساسی را درخصوص حقوق شهروندی مورد مطالعه قرار داده‌ایم که به راحتی برای خواننده‌گان تفاوت‌ها و تشابهات این دو قانون مشخص گردیده است لیکن در تحقیق‌های پیشین چنین مقایسه‌ای وجود نداشته است.

۶- محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌هایی که ما در این پژوهش با آنها روبه‌رو بودیم، با عنایت به اینکه موضوع به صورت تطبیقی با قانون اساسی مشروطه بود، لذا در دسترسی به منابع با محدودیت مواجهه بودیم.

۷- ملاحظات اخلاقی

در این مقاله صداقت و امانتداری در تحلیل دو قانون اساسی دوره مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی به شکل کامل رعایت گردید.

۸- مفاهیم و کلیات

در هر پژوهش حقوقی لازم است که اصطلاحات فنی و تخصصی مورد بحث، تبیین گردد. بنابراین در این قسمت سعی شده است واژگان بنیادین در مقاله از لحاظ لغوی و اصطلاحی مورد مطالعه قرار بگیرند.

۱-۸- قانون اساسی: قانون اساسی یکی از کلیدی‌ترین

مفاهیم در حقوق عمومی است که در آن هم نهادهای قدرت و رابطه آنها با هم مشخص می‌شود و هم حقوق و آزادی‌های بنیادین مردم تضمین می‌گردد. با این حال مفهوم قانون اساسی در کشورهای مختلف با توجه به ساختار سیاسی و تجربه‌های تاریخی آنان متفاوت است (۲).

اگر بخواهیم تعریفی عام و کلی از قانون اساسی ارائه بدهیم، باید آن را این‌گونه تعریف کنیم: «قانون اساسی در مفهوم عام به کلیه قواعد و مقررات موضوعه یا عرفی، مدون یا پراکنده گفته می‌شود که مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن است و از لاتینی کنستیتیو (constitutio) را شاید بتوان جزء اولین واژه‌های دانست که محققان آن را معادل قانون اساسی امروزی آورده‌اند، البته این ترجمه از واژه فوق یک ترجمه اصطلاحی است و اگر بخواهیم معنای دقیق این واژه را جستجو کنیم باید از آن به‌عنوان ساختار، بافت و استخوان‌بندی جامعه سیاسی یاد کنیم، همین معنای ساختار و یا استخوان‌بندی نشان از این دارد، که هنگامی که بحث قانون اساسی و نوشتن آن مطرح بوده چه معنا و مفهومی در ذهن نویسندگان آن متبادر می‌شده است. منظور این است که اهمیت قانون اساسی در آن زمان به اندازه‌ای بوده است که از آن به‌عنوان استخوان‌بندی جامعه سیاسی یاد می‌شده است (۳).

۲-۸- مفهوم شهروند: مفهوم شهروند و حقوق شهروندی شهروند ترجمه فارسی citizen و از نظر لغوی به معنای کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد معرفی شده است. در فرهنگ‌های عمومی مانند معین و عمید کلمه شهروند تعریف نشده است ظاهراً اولین فرهنگ فارسی به فارسی که کلمه شهروند را دارد فرهنگ فارسی امروز است که شهروند را به معنایی که بیان شد ذکر کرده است (۴).

درواقع شهروندی موقعی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال تکیه و تأکید دارد (۵).

در تعریف لغوی، شهروند به ساکن شهر اطلاق می‌شود و مراد از شهر، آبادی بزرگی می‌باشد که دارای خیابان‌ها و کوچه‌ها و خانه‌ها و نفوس بسیار است یا به معنای هلال ماه، قمر یک ماه قمری است (۶). لکن در قدیم شهر به معنای کشور بوده است مانند ایران‌شهر یعنی مملکت و کشور ایران یا شهریار که به معنای پادشاه و فرمانروای کشور است (۶).

۳-۸- رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر: حقوق

بشر و حقوق شهروندی حقوقی هستند که انسان، به صرف

این نام در ایران باستان در ۵۳۸ سال پیش از میلاد توسط کوروش کبیر پادشاه امپراتوری بزرگ ایران و شاه سلسله هخامنشی هنگام فتح بابل صادر شد و بر روی استوانه گلی معروف به منشور کوروش حک گردید و مهم‌ترین اصل آن آزادی دین بود. بعد از قرن‌ها در بریتانیا که نتیجه یک قرن مبارزه (قرن ۱۷ میلادی) بین پادشاهان استوارت از یکسو و مردم و پارلمان انگلیس از سوی دیگر بود و با نگاهی به ماگنا کارتا نوشته شد. پس از آن در ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱، منشور حقوق شهروندی ایالت متحده به تصویب رسید که بر پایه ماگنا کارتا، منشور حقوق شهروندی بریتانیا و مبارزه‌های کلنی‌نشین‌ها با امپراتور و پارلمان بود. ازجمله حقوقی که می‌تواند در منشور حقوق شهروندی بیاید آزادی بیان، آزادی عقیده و دین هستند.

منشور حقوق شهروندی در ایران

در ۲۹ آذر ۱۳۹۵ منشور حقوق شهروندی ایران به امضای رئیس‌جمهور وقت، حسن روحانی رسید و از طریق پیامک به مردم ابلاغ شد، نسخه اولیه این سند در ۵ آذر ۱۳۹۲ تدوین و ارائه شده بود، سرفصل حقوقی که در این منشور آمده به شرح زیر است، حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق کرامت و برابری انسانی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق مشارکت در تعیین سرنوشت، حق اداره شایسته و حسن تدبیر، حق آزادی اندیشه و بیان، حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به فضای مجازی، حق حریم خصوصی، حق تشکل، تجمع و راهپیمایی، حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد، حق تشکیل و برخورداری از خانواده، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه، حق اقتصاد شفاف و رقابتی، حق مسکن، حق مالکیت، حق اشتغال و کار شایسته، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش، حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار، حق صلح، امنیت و اقتدار ملی بود.

۱۰- حقوق شهروندی در ایران

قبل از انقلاب مشروطه ایران، حقوق شهروندی مدرن و مدونی در ایران وجود نداشت، البته فقدان حقوق مدرن به

انسان بودن و نه به دلیل موقعیت خاص یا ویژگی خاص دارا می‌باشد. به عبارت دیگر این حقوق حق مسلم تمام افراد فارغ از نژاد، رنگ، جنس، زبان و مذهب است (۷).

نقش سازمان‌های غیر دولتی در تحقق حقوق شهروندی و حقوق بشر در راستای قانون اساسی

تقویت، بهسازی و اجرای حقوق بشر از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که سازمان‌های غیر دولتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش‌های عمده‌ای را در آن ایفا می‌کنند. «در این عرصه، نهادهای عمومی و دولتی نیز در جهت ارتقای هرچه بیشتر حقوق بشر با سازمان‌های غیر دولتی مشارکت می‌کنند. در این فرآیند، رژیم حقوق بشر به صورت شبکه‌ای عمدتاً فراملی است که در آن اقدامات بخش غیر دولتی و دولتی به هم پیوند می‌خورد و حقوق بشر را به‌عنوان «سیاست عمومی جهانی» مطرح می‌سازد» (۸).

۴-۸- ملت: در معنای مدرن، ملت را می‌توان گروهی از شهروندان دانست که اعضای آن با یکدیگر احساس همبستگی می‌کنند. این روحیه همبستگی بر اثر عوامل پیونددهنده مادی و معنوی و احساس تعلق و سرنوشت مشترک به وجود می‌آید. این گروه از شهروندان، برای رسیدن به شرایط یک زندگی بهتر و تضمین حقوق، عدالت و آزادی‌های خود با یکدیگر توافق و قرارداد می‌کنند که طی یک قرارداد اجتماعی، نهادی را به نام دولت تأسیس کنند که هدف آن خیر فرد و اجتماع و مبتنی بر رضایت مردم است. «اراده عمومی»، مبنا و پایه‌گذار دولت و حاکمیت قانون است. به عبارت دیگر، «دولت جمهوری چیزی نیست جز نظام نمایندگی مردم که از طریق اتحاد ملی شهروندان، به نام ملت و به نمایندگی (وکالت و کارگزاری از طرف آنها، حافظ حقوق آنها است. این قرارداد اجتماعی، مبنای حاکمیت قانون است، البته قرارداد اجتماعی باید براساس عدالت، انصاف و کنش و تفاهم اجتماعی شکل گیرد (۹). ۱۰ و ۱۱ حذف شد

۹- پیشینه تاریخی حقوق شهروندی در ایران

با مطالعه تاریخی در مباحث حقوق عمومی به این مهم دست خواهیم یافت که؛ منشور حقوق شهروندی لیستی از مهم‌ترین حقوق شهروندان یک کشور است نخستین منشور با

معنای فقدان حقوق شهروندی نبوده است. در ایران از دیرباز اقلیت‌های مختلف مذهبی و قومی روزگار می‌گذراندند و اقلیت‌های مذهبی در احوال شخصیه نیز تابع مقررات و آیین دینی خود بودند. به دنبال انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین‌بار صاحب قانون اساسی مدرن گردید. قانون اساسی مشروطه به‌عنوان میثاقی میان دولت و ملت، قدرت مطلق پادشاه را محدود می‌ساخت. در متمم قانون اساسی مشروطه که در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به تأیید نهایی رسید در فصلی با عنوان «حقوق ملت» مهم‌ترین حقوق فردی و شهروندی در هجده اصل (اصول ۸ تا ۲۶) مورد تأکید قرار گرفت. متمم قانون اساسی مشروطه در عین حال که در اصل اول اشعار می‌داشت «مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشری است و باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد» از حقوق شهروندی یکسان برای تمام مردم و اتباع ایران در مقابل قانون و همچنین حمایت قانون از تمام شهروندان و به تعبیر اصل هشتم متمم «هالی مملکت ایران» سخن گفته بود. اصول هجده‌گانه مندرج در متمم قانون اساسی مشروطه، اصولی مترقی در دفاع از حقوق شهروندی در یک قرن پیش در ایران محسوب می‌شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۸ پس از تشریح اصول کلی در فصل اول و بیان زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور، در فصل سوم به حقوق ملت پرداخته است. مهم‌ترین حقوق شهروندی که البته بیان جزئیات آن با قوانین عادی است و قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن مهر تأیید نهاده است حقوق و امتیازات شهروندان در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی است که مانند بسیاری از مفاهیم و مؤلفه‌های زندگی بشری در جامعه ما تکامل یافته است (۱۰).

هرچند حقوق شهروندی، مفهوم نسبتاً وسیعی دارد و مشکل است، بتوان تعریف جامع و مانعی از آن ارائه داد، ولی در یک تعریف کلی، می‌توان گفت: «شهروندی موقعیتی است اجتماعی و انسانی که افراد جامعه با برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در قبال حکومت، انتظارات متقابلی را از دولت برای احقاق حقوق خود دارند مفهوم شهروندی در یونان باستان به معنای داشتن حقوق و تکالیف یکسان نزد قانون و

مشارکت در امور سیاسی و عمومی جامعه بوده است. در اندیشه‌های سیاسی افلاطون و ارسطو نیز مشاهده حضور مردم در عرصه‌های سیاسی و شکل‌گیری حقوق شهروندی با دو مؤلفه حق و تکلیف تبلور یافته است (۱۱).

۱۱- انواع حقوق شهروندی

حقوق شهروندی را می‌توان با توجه به ماهیت و نوع امتیازاتی که برای شهروندان لحاظ می‌گردد، به اقسام و انواعی تقسیم نمود. نظریه‌پردازان حقوق شهروندی سه دسته از حق را از مهم‌ترین حقوق شهروندی می‌دانند: (۱) حقوق مدنی، (۲) حقوق سیاسی، (۳) حقوق اجتماعی، البته مراد از این حقوق، حق‌های بنیادین در هر قسمت می‌باشد، لکن می‌توان تا پنج حق را از حقوق بنیادین برشمرد:

۱۱-۱- حقوق مدنی حقوق شهروندی: حق آزادی،

مصونیت از تعرض، آزادی بیان و آزادی مذهب از جمله حقوق مدنی شمرده شده است. از نظر نظریه‌پردازانی مثل مارشال حقوق مدنی عبارت است از آزادی بیان، آزادی مالکیت، آزادی مذهبی و مانند آن (۱۲).

۱۱-۲- حقوق سیاسی حقوق شهروندی: حقوق

سیاسی هم در دو حق عمده انتخاب کردن و انتخاب شدن خلاصه می‌شود که مشارکت فعال سیاسی در حاکمیت را نتیجه می‌دهد. بند هفتم از اصل سوم قانون اساسی ج.ا.ا. این حق را بیان داشته است و در بند ششم همان اصل محور استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی را می‌گوید؛ لذا حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت از حقوق سیاسی شمرده شده است.

۱۱-۳- حقوق اقتصادی اجتماعی حقوق شهروندی:

حق مالکیت، حق کارکردن، برابری در فرصت‌های شغلی و شخصی، برخورداری از تأمین اجتماعی از مواردی است که نوعاً به‌عنوان حقوق اقتصادی و رفاهی از آن یاد می‌شود؛ چنان‌که در اصول ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۴۶، ۴۷ قانون اساسی ج.ا.ا. نیز آمده است (۱۳).

۱۱-۴- حقوق فرهنگی حقوق شهروندی: این قسم از

جمله حقوق فرهنگی تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که براساس آن حق استفاده از زبان‌های

محلی و قومی، رایگان بودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه در تمام سطوح و تسهیل آموزش عالی از حقوق فرهنگی حقوق شهروندی شمرده شده است. حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت‌ها، حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت در جوامعی که از نژادها با آداب و سنن مختلف تشکیل شده است، بر عهده حاکمیت است.

۵-۱۱- حقوق قضایی حقوق شهروندی: از جمله حقوق

مربوط به حقوق شهروندی حقوق قضایی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۲۲، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ این حقوق آمده است و هدف اصلی آن ایجاد امنیت قضایی و تساوی عمومی در برابر قانون برای اعضای جامعه است. حقوقی همچون اصل برائت، عطف به ما سبق نشدن قانون، اصل تأمین قضایی، اصل استفاده از حق وکیل، اصل ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار با تهدید و ارباب و مانند آن از حقوق قضایی حقوق شهروندی شمرده می‌شود (۱۴).

۱۲- دستاوردهای انقلاب مشروطه در قبال تحقق حقوق

شهروندی

معمولاً حرکت‌ها و نهضت‌ها در هر نقطه‌ای از جهان یا به دنبال تثبیت و تحکیم‌تر شدن یک اندیشه، آرمان و ایدئولوژی هستند، که جنبه ایجابی دارد و یا در پی تخریب و نفی یک نظام سیاسی و یا یک ایدئولوژی سازمانی می‌باشند، که جنبه سلبی دارد، اما به عقیده برخی دیگر از محققین انقلاب مشروطه «نخستین خیزش در تاریخ ایران بود که هم جنبه سلبی داشت و هم جنبه ایجابی (۱۵). با محدود کردن و مقید نمودن اختیارات شاه جنبه سلبی آن مشخص شد و با ایجاد اختیارات برای نمایندگان و تشکیل مجلس شورای ملی، جنبه ایجابی آن خود را نمایان ساخت. درواقع شاید مهم‌ترین دستاور عینی و شکلی انقلاب مشروطه را باید تأسیس مجلس شورای ملی دانست، که در پی آن بزرگترین دستاورد مشروطه یعنی قانون اساسی متولد شد. اگرچه امروز تعریف مجلس برای همگان مشخص است، اما در آن زمان فقط حلقه‌های روشنفکری و خواص سیاسی بودند، که تصویری نسبتاً صحیح و درست از مجلس داشتند «پارلمان که خود از Parkenat از

زبان فرانسه منتج شده است، هیئتی را که در هر کشور، برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آنها از سوی مردم برگزیده می‌شوند، پارلمان می‌گویند» (۱۶) درواقع فهم اصلی و برداشت مرکزی، مشروطه‌طلبان از تأسیس مجلس، محدود کردن قدرت پادشاه در برابر مردم بود. به عبارتی مشروطه‌طلبان می‌خواستند، قدرت برهنه و خشن پادشاه را با قدرتی قانونی و سازمان‌شده تعدیل و تلطیف کنند در هر صورت در اثر تلاش‌ها و پایمردی‌های مشروطه‌طلبان فرمان شاهانه در موافقت با تشکیل مجلس صادر شد. اما مشروطه‌طلبان آن فرمان را نپذیرفتند و عودت دادند، زیرا آنان معتقد بودند، باید و حتماً عبارت (ملت ایران) در آن گنجانده شود، روز بعد از طرف حکومت اعلامیه‌ای صادر شد، که ظاهراً در آن عبارت ملت ایران آورده شده بود، ولی چون مجمع جدید را مجلس شورای اسلامی نامگذاری کرده بود، مجدداً مورد اعتراض ملیون واقع شد (۱۷). و سپس در تاریخ ۱۸ شعبان ۱۳۲۶ مجلس با نام مجلس شورای ملی رسماً شروع به کار کرد.

هنگامی که نمایندگان تهران انتخاب شدند، مجلس شورای ملی نیز افتتاح گردید اما زمانی که نمایندگان شهرستان‌ها نیز در مجلس حضور یافتند، این مجلس رسمیت یافت و شروع به کار کرد. مهم‌ترین وظیفه و مشخص‌ترین کاری که مجلس شورای ملی کرد. همانا تدوین و تصویب قانون اساسی بود درواقع این مجلس باری اضافی را بر دوش حمل می‌کرد، که وظیفه مجلس مؤسسان قانون اساسی بود. به هر صورت در تاریخ ۱۴ ذی‌القعدة الحرام ۱۳۲۶ قانون اساسی تدوین شده توسط مجلس به امضای مظفرالدین شاه و محمدعلی میرزا - ولیعهد رسمیت یافت (۱۹)، البته قانون اساسی به راحتی و با سهولت به تصویب نرسید، هنگامی که قانون اساسی تهیه شده که توسط رهبران ملت تهیه و تدوین شده بود، به دربار فرستاده شد، چند روزی در آنجا معطل باقی ماند، زیرا درباریان و هیأت حاکمه تمایلی برای تصویب آن نداشتند، از سویی دیگر مظفرالدین شاه که اصولاً پادشاهی بیمارمزاج بود، بیماریش عوت کرد و حال مناسبی نداشت و اگر اتفاقی برای وی می‌افتاد، با توجه به شناختی که

مشروطه‌خواهان از روحیه مستبدانه ولیعهد (محمدعلی میرزا) داشتند، نگران بودند، که تصویب قانون اساسی با مشکل روبه‌رو شوند، ولی در نهایت مظفرالدین‌شاه در اثر پافشاری مشاوران نزدیک خود و وزرای معتدل و میانه‌رو، قانون اساسی را امضا کرد و بعد از این اتفاق پنج روز بعد از دنیا رفت، البته در مقابل این نظریه که مظفرالدین‌شاه با اکراه و فشار و از روی بی‌میلی تن به تصویب قانون اساسی داد، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد، که معتقد است، وی نسبت به مجلس و قانون اساسی خوشبین بود، مخبرالسلطنه در کتاب خود - خاطرات و خطرات - مینویسد «من از روی علم شهادت می‌دهم که استقرار مجلس از اول تا آخر آرزوی مظفرالدین‌شاه بود (۱۸). مخالفان قانون اساسی مشروطه هم قدرتمند بودند و هم دارای سازمان، اگرچه افراد و برخی از نهادهای متفاوت از هم با قانون اساسی مشروطه مخالفت می‌کردند، اما در مجموع می‌توان تمامی آنها را در دو دسته جای داد. الف) دربار و هیأت حاکمه ب) برخی از روحانیون الف) دربار و هیأت حاکمه این گروه که قدرت کافی برای مخالفت با مشروطه را داشتند، انگیزه و دلیل متقن و صحیحی از دیدگاه خویش برای مخالفت با قانون اساسی ابراز می‌کردند، زیرا قانون اساسی مشروطه هنگامی که اختیارات شاه را محدود می‌کرد، به تبع آن تمامی حکام، وزرا و هیأت حاکمه نیز قدرتشان محدود شده و باید در برابر ملت پاسخگو باشند. بنابراین طبیعی بود، که دربار دشمن شماره یک قانون اساسی باشد. ب) برخی از روحانیون اگر دربار به لحاظ عینی اقتصادی، سیاسی، منافع خویش را با تصویب قانون اساسی در خطر می‌دید، برخی از روحانیون از جنبه ایدئولوژیک و با نگاه عقیدتی به مخالفت قانون اساسی مشروطه پرداختند. آنان معتقد بودند، دین اسلام که درواقع آخرین و کامل‌ترین دین الهی است، می‌تواند و باید تمام حوائج و نیازهای انسان را برطرف کند، در رأس این اندیشه و نظر (شیخ فضل‌الله نوری) قرار داشت، وی معتقد بود، انسان همواره از آوردن قانونی برتر از قانون اسلام عاجز و ناتوان است. برخی از روحانیون قانون اساسی مشروطه را نوعی بدعت و نوآوری دانسته و آن را مطرود می‌شمردند. (۱۹).

همان‌طور که در ابتدای بحث قانون اساسی مشروطه ذکر شد، قانون فوق به دلایل ذیل مورد بازنگری قرار گرفت و در این بازنگری اصول بسیاری (صد و هفت اصل) به آن افزوده شد، که برخی از محققان تاریخ مشروطه بر این باور هستند، که متمم قانون اساسی به مراتب اهمیت بیشتری از خود قانون اساسی دارد، اما دلایلی که باعث شد، نمایندگان تصمیم بگیرند، اصولی دیگر را به قانون اساسی مشروطه اضافه کنند، عبارت است از: اولاً قانون اساسی مشروطه به هیچ وجه، مشخصات و مختصات یک قانون اساسی مدرن را نداشت، به عبارتی دیگر قانون اساسی مشروطه نه جامع بود و نه کامل و چون باعجله و اضطراب نگاشته شده بود، به بسیاری از مسائل توجه نشده بود. ثانیاً در همین راستا و در ادامه دلیل اول، قانون اساسی مشروطه درواقع بیشتر از اینکه یک قانون اساسی باشد، یک آیین‌نامه داخلی مجلس بود، که تمام همت خویش را در تنظیم روابط بین نمایندگان با خود و مجلس با قوای دیگر مصروف کرده بود. ثالثاً حقوق اساسی ملت و پیگیری آن در این قانون اساسی به چشم نمی‌خورد. رابعاً دربار، رجال سیاسی و هیأت حاکمه نیز این قانون را نمی‌پسندید و خواهان امتیازات بیشتر بودند. خامساً بخش‌هایی از روحانیت و علما نیز در پی آن بودند، که قانون اساسی را با شرع اسلام مطابقت دهند، بنابراین به مشروطه‌طلبان از این بابت فشار وارد می‌کردند. در مجموع و در یک دسته‌بندی سیاسی می‌توان گفت که «برای تهیه و تدوین قانون اساسی در مجلس و خارج کشمکشهایی که متکی به اصول و منافع طبقاتی بوده، شروع شد و سه قدرت مختلف‌المنافع، مستبدین، روحانیون و آزادیخواهان برای تأمین مصالح طبقه خود به مبارزه پرداختند (۲۰).

مارشال حقوق شهروندی را دربردارنده سه نوع حقوق می‌داند: مدنی، سیاسی و اجتماعی. حقوق مدنی عبارتند از حفظ آزادی‌های فردی، شامل آزادی شخصی، آزادی بیان، اندیشه و عقیده حق مالکیت شخصی، حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت، مارشال معتقد بود که به خاطر ایجاد نهادهای مدرن دادگاه‌های مدنی و جزایی حقوق مدنی در قرن هیجدهم شروع به توسعه نمود. حقوق سیاسی

دربردارنده حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به‌عنوان یکی از اعضای نهاد برخورداری از اقتدار سیاسی و یا به‌عنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی می‌باشد. به عقیده مارشال این حقوق که قبلاً تعداد محدودی از آن برخوردار بودند، تنها در قرن بیستم با گسترش حق رأی عمومی برای همه افراد بالغ، به حقوق شهروندی تبدیل شدند. و این اصلی را ایجاد کرد که براساس آن، حقوق فوق نه مبتنی بر ابزار اقتصادی بلکه مبتنی بر وضعیت شخصی بودند. حقوق سیاسی از منظر نهادها دربردارنده توسعه پارلمان و شورای حکومت محلی بودند که در قرن نوزدهم تشکیل شدند. (مارشال) معتقد بود، که حقوق اجتماعی در قرن ۲۰ در شکل مدرن خود با ایجاد نهادهای دولت رفاه شامل نظام ملی آموزش همگانی و خدمات بهداشتی و اجتماعی توسعه یافتند، تعریف مارشال از حقوق اجتماعی نسبت به تعاریفش از حقوق مدنی و سیاسی انتزاعی‌تر است. این امر در نگرش گسترده‌ای که او در مورد این حقوق ابزار داشته تجلی یافته است مراد من از عنصر اجتماعی عبارت است از طیف وسیعی از حقوق که حق برخورداری از حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به‌عنوان یک موجود متمم طبق معیارهای حاکم بر یک جامعه را دربر می‌گیرد» (۲۰).

بحث تفصیلی پیرامون حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی، بحث پیرامون حقوق ملت در فصل سوم آمده است. حقوق ملت را براساس تئوری (مارشال) به سه بخش مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم کرده و به صورت مجزا از یکدیگر مورد بررسی قرار می‌دهیم. الف) حقوق مدنی اصل نوزدهم: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» برخی از محققان معتقدند، که اصل فوق دارای ریشه‌های قرآنی می‌باشد. آنان به آیه ۱۳ از سوره حجرات اشاره می‌کنند که «هان ای مردم، همانا ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به هیأت اقوام و قبایلی در آوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی بیابید. بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شماست، که خداوند دانای

مطلق است» از این‌رو از اصل فوق با عناوینی چون تساوی حقوق مردم، تساوی حقوق اقوام مختلف و ... یاد می‌شود. احدی از حقوقدانان معتقد است «عبارت مندرج در این اصل، نه شعار و نه رسم‌القباله، اصول هدایت‌کننده و خط‌مشی سیاست‌های قضایی و اداری و اقتصادی دولت است، اصولی است، که در سایه آنها بر سر تمام قواعد اساسی و قوانین عادی گسترده است و در پرتو آن باید سایر اصول معنا و تفسیر شود» (۲۰). اصل بیستم: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» اصل فوق که به برابری همه در برابر قانون معروف است، درواقع در چارچوب بحث (عدالت) در تقسیم‌بندی مارشال قابل جستجو است. از همین رو این اصل متری و پیشرفته منطبق بر موازین جهانی حقوق بشر می‌باشد. در دیباچه اعلامیه جهانی حقوق بشر آورده شده است «مردم ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن، مجدداً در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفتند، که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیط آزاد، شرایط بهتری برای زندگی به وجود آوردند» (۲۱). اصل بیست و یکم: «دولت موظف است، حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین و امور زیر را انجام دهد. ۱) ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ۲) حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست ۳) ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کبان و بقای خانواده ۴) ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست ۵) اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی» اما بحث زنان و مشکلات آنان اگرچه به صد یا دویست سال پیش باز می‌گردد (۲۱).

۱۳- حقوق شهروندی در حقوق اساسی

اصل بیست و دوم: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند» این اصل به اصل (مصونیت اشخاص معروف است

و نقطه مشترک در تمامی قوانین اساسی در دنیا می‌باشد. درواقع اصل بیست و دوم فارغ از هرگونه ایدئولوژی و مرامی می‌باشد. منظور این است که در نحله‌های فکری متفاوت و مکتب‌های متعارض عقیدتی چپ، راست، میانه و ... تمامی انسان‌ها جدا از اینکه چه جنسیتی دارند، چه آیینی دارند، چگونه فکر می‌کنند، چقدر درآمد دارند و ... مصون از هرگونه تعرض هستند. اصل بیست و سوم: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد» (کاتوزیان) در تشریح این اصل بر این باور است که «اعتقادات تا چهره درونی و خصوصی دارند جزیی از پیکر و سرنوشت انسان است و نمی‌توان بر کسی خرده گرفت، که چرا چنین می‌اندیشد، دولت می‌تواند، اطاعت از قانون را از مردم بخواهد تا نظم اجتماعی برهم نخورد، ولی اعتقاد را نمی‌توان به زور تحمیل کرد» (۱۰). «و این همان اصلی مهمی است که در مدل (مارشال) در بخش حقوق مدنی تحت عنوان (آزادی اندیشه) از آن بحث می‌شود. اصل بیست و چهارم (نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند» (۲۱).

اصل سی و دوم: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند، در صورت بازداشت، موضوع اتهام با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بسیت و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود» این اصل که به اصل (امنیت فردی) مشهور است، برای نخستین‌بار در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین شد و منظور از آن، ذکر این مطلب بود که به هیچ عنوان، نمی‌توان به بازداشت‌های خودسرانه، غیر قانونی و نا محدود دست زد. اصل سی و چهارم: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند، این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را

دارد منع کرد» اصل سی و پنجم: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند، برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد» مبحث حق انتخاب وکیل جزء بدیهی‌ترین حقوق متهمان می‌باشد. این اصل به قدری واضح و روشن است، که در برخی از کشورهای دموکراتیک متهم تا قبل از اینکه با وکیل خود دیدار نداشته باشد، اصولاً هیچ حرفی نمی‌زند. اصل سی و ششم: «حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» در اهمیت این اصل فقط می‌توان گفت، آیات ۱۵ سوره نساء ۷ از سوره طلاق، ۱۱۵ از سوره توبه و ۵۹ از سوره قصص هر کدام مشابهت‌های با این اصل دارند. همچنین مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی نیز در همین راستا قابل فهم است، اصل سی و هشتم: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود» واژه (شکنجه) در طول تاریخ واژه‌ای مناقشه‌برانگیز بوده است (۲۱).

اصل سی و نهم: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت زندانی یا تبعیدشده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است» اصل چهارم: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر با تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» پیامبر اکرم در واقع‌های حکم فرمودند که در اسلام و مقررات آن، چیزی که به زیان مردم باشد، و یا اینکه راه ضرر و زیان رساندن به دیگران را باز گذارد وجود ندارد (۲۱). درواقع اصل (منع اضرار به غیر) یک پیشگیری (جرم‌شناسانه در علم جرم‌شناسی از شاخه‌های حقوق می‌باشد، که از درگیری و نزاع بین انسان‌ها جلوگیری به عمل می‌آورد. درواقع طبق این اصل هیچ‌کس نمی‌تواند به دیگری ضرر و زانی وارد کند. اصل چهل و یکم: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند، از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود و یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید» تابعیت درواقع یک رابطه دو طرفه و دو سویه بین شخص و دولت می‌باشد این

رابطه هم جنبه حقوقی دارد و هم جنبه سیاسی، در ضمن چون تابعیت به بحث (هویت) نیز ربط پیدا می‌کند.

۱۴- تفاوت‌های حقوق شهروندی در قانون اساسی

جمهوری اسلامی و مشروطه

در این قسمت سعی شده است تا اصول مختص حقوق شهروندی در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی در مقابل هم قرار دهیم تا تفاوت‌های این دو نمایان و محرز شود. در این قسمت مشخصات و مختصات قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی تشریح خواهد شد و طبق تئوری و مدل مارشال، حقوق ملت در سه وجه مختلف مدنی، سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی تمیز داده شد. در این بخش به صورت ریز و جزئی اصول مطرح شده در بخش‌های دوم و سوم را با هم مقایسه کرده و در کنار هم قرار می‌دهیم تا وجوه اشتراک و افتراق هر اصل به صورت منفک و خرد مشخص شود. الف) حقوق مدنی (مشروطه و جمهوری اسلامی) اصل هفتم (مشروطه) «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهد بود» اصل نوزدهم (جمهوری اسلامی) «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» اولین نکته که در مقایسه این دو اصل مشابه به ذهن خطور می‌کند، این است که در قانون اساسی مشروطه در ایران واژه (قانون) آورده شده است، ولی در اصل جمهوری اسلامی از واژه (حقوق) استفاده شده است، به نظر می‌رسد واژه قانون در زمان مشروطه، طراوت و تازگی داشته و برای همین این واژه در بسیاری از اصول آمده است، نکته دوم که در امتداد نکته اول می‌باشد، اصطلاح قانون دولتی است که در قانون اساسی مشروطه آمده، پرسش ابهام‌برانگیز این می‌باشد که آیا در آن زمان قوانین غیر دولتی که لازم‌الاجرا باشند، نیز وجود داشته است که قانون‌گذار احساس کرده باید واژه دولت را با قانون بیاورد؟ شاید سنت‌های قبیله‌ای و عرفی که به صورت قانون درآمده بوده است، باعث شده قانون‌گذار واژه دولت را متمم قانون بیاورد. نکته سوم را می‌توان در کل‌نگری و کلان بودن اصل هشتم مشروطه و خردنگری و ریز شدن اصل جمهوری اسلامی نشان

داد، در حالی که قانون مشروطه با اصلاح (اهالی مملکت ایران) همه را مساوی می‌پندارد، قانون جمهوری اسلامی با تفکیک مردم به زیرمجموعه‌های مشخصه آنان یعنی (رنگ)، (نژاد)، (زبان)، (قوم) و (قبیله) به مفاهیم برابری، مصادیق عینی قابل مشاهده می‌دهد.

اصل نهم (مشروطه) «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و معترض احدی نمی‌توان شد، مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نماید» اصل بیست و دوم (جمهوری اسلامی) «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاصی از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» در تطبیق این دو اصل با هم در می‌یابیم که طبق مدل (مارشال) و در چارچوب حقوق مدنی این دو اصل را می‌توان در زمره (حق مالکیت شخصی) جای داد، اما بانگاه و گرایش خردگرایانه، باید گفت واژه (شرف) که در اصل مشروطه آمده، بعدها در اصل جمهوری اسلامی تبدیل به (حیثیت) شده است، همچنین واژه (جان) و (مسکن) در هر دو اصل مشترک است. اما در اصل جمهوری اسلامی واژه‌ای آورده شده است، که به نظر می‌رسد، بسیاری از واژه‌های مشابه را هم‌پوشانی کند، واژه (حقوق) که به معنای تمامی حق‌ها می‌باشد، در اصل جمهوری اسلامی نشان از پختگی و بصیرت قانون‌گذار می‌دهد. اما مهم‌ترین نکته در این تطابق دو اصل ذکر این مطلب می‌باشد که اصل مصونیت اشخاص نه تنها در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی بلکه در تمامی قوانین اساسی دنیا مشترک است. اصل دهم (مشروطه) «غیر از مواقع ارتکاب جرم و جنایات و تقصیرات عمده، هیچکس را نمی‌توان فوراً دستگیر نمود، مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود» اصل سی و دوم (جمهوری اسلامی) «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند، در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه،

در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود»

مارشال بر این باور است که مسیر توسعه حقوق مدنی زمانی با رشد و شتاب روبه‌رو شد که در قرن هیجدهم نهادهای مدرن دادگاه‌های مدنی و جزائی به وجود آمد، اگر چه در زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل (امنیت فردی) و (عدم بازداشت خودسرانه) تقریباً بدیهی و نرمال به نظر می‌رسید و شاید در تصویب این اصل هیچ‌گونه مخالفتی مشاهده نشد، ولی تصویب این اصل در هنگام مشروطه یعنی زمان (بی‌قانونی) و نبود حقوق اولیه ملت، جزء پیشروترین و متمدن‌ترین اصول قانون اساسی به حساب می‌آید، اصل دوازدهم (مشروطه) «حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود، مگر به موجب قانون» اصل سی و ششم (جمهوری اسلامی) «حکم و مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» در زمان مشروطه (مجازات‌های خودخوانده) و (مجازات‌های خود تعریف شده بسیار رواج داشت، به خصوص در بافت قومی و قبیله‌ای و در بستر سنت‌های روستایی برخی افراد به خاطر جرم‌های کوچک، کیفرهای سنگین را متحمل می‌شوند (۲۱). بنابراین باید اذعان داشت، اصل فوق دارای یک سیر تکاملی است که از مشروطه آغاز و در جمهوری اسلامی کامل شده است.

ب) حقوق سیاسی (مشروطه و جمهوری اسلامی) اصل بیست و یکم (مشروطه) «انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و مخل به نظم نباشند، در تمام مملکت آزاد است، ولی مجتمعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می‌کند، باید متابعت نمایند، اجتماعات در شورا و میدان‌های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشد» اصل بیست و ششم (جمهوری اسلامی) «حزب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی با اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقص نکنند، هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

که این شاخص‌ها در زمان مشروطه کمتر مشاهده می‌شده است. اصل پانزدهم (مشروطه) «مجلس شورای ملی حق دارد، در عموم مسائل آنچه را صلاح مملکت و ملت می‌داند، پس از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و با تصویب مجلس سنا به توسط شخص اول دولت به عرض برساند، که به صحنه همایونی موشح و به موقع اجراء گذارده شود» اصل هفتاد و یکم (جمهوری اسلامی) «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

قانون اساسی علاوه بر مالکیت اموال، حاصل کسب و کار مشروع و قانونی مانند مزد حاصله از کسب و پیشه و فعالیت‌های تجاری و فقهی را نیز محترم می‌شمرد و به افراد این حق را می‌دهد که از ثمرات کار و زحمات خویش بهره ببرند (۲۲). به نظر می‌رسد، در اصل مشروطه به جای بحث کلی مالکیت، از واژه ملک استفاده شده است، ولی بعد از گذشت یکصد سال در جمهوری اسلامی واژه (مالکیت) آورده شده است که بسیار فراختر و گسترده‌تر از (ملک) می‌باشد. اصل نوزدهم (مشروطه) «تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالیه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد» اصل سی‌ام (جمهوری اسلامی) «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد» همانطور که در بخش قانون اساسی مشروطه گفته شد، (نظام ملی آموزش همگانی) عنوانی است که (مارشال) در بحث حقوق اجتماعی از او یاد می‌کند. اما آنچه که از تطبیق دو اصل فوق حاصل می‌شود، این است که چه در مشروطه و چه در جمهوری اسلامی این دولت است که متولی تحصیلات و نظام آموزشی می‌باشد اصل سیزدهم (مشروطه) «منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمی‌توان وارد شد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون مشخص کرده است» اصل سی و یکم (جمهوری اسلامی) «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد ایرانی است،

دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستاییان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم سازد».

نکته جالب و قابل تأمل در انطباق این دو اصل این است که در مشروطه به امنیت مسکن اشاره شده است و در جمهوری اسلامی تهیه مسکن مهم شمرده شده است. شاید علت این باشد که در مشروطه و قبل از آن خانه و کاشانه افراد آنچنان که باید حفاظت نمی‌شده است و امنیت دغدغه و نگرانی اصلی قانون‌گذاران بوده است، ضمن اینکه عموم مردم سرپناهی داشته‌اند که در آن زندگی کنند و (تهیه مسکن) کار مشکلی به نظر نمی‌رسیده است، اما در زمان جمهوری اسلامی به علت کثرت جمعیت و گرانی مسکن، اقشار آسیب‌پذیر جامعه در آرزوی مسکن به سر می‌برده‌اند و قانون‌گذاران جمهوری اسلامی سعی کرده‌اند، با تصویب این قانون اندکی از نگرانی‌های قشر ضعیف بکاهند، در این قسمت، سعی شد اصولی را، که در چارچوب حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مشروطه و جمهوری اسلامی آمده بود، در کنار هم قرار داده و با مقایسه تطبیقی، تفاوت‌ها و شباهت‌های آنان را آشکار سازیم. لازم به ذکر است که بعضی از اصول که در چارچوب حقوق ملت قرار می‌گرفت، ولی در یکی از دو قانون اساسی فوق قرار نداشت، در دایره تطبیق جای نمی‌گرفت، مثلاً بحث مربوط به حقوق زنان در قانون اساسی مشروطه هیچ جایگاهی ندارد، اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصلی به آن اختصاص داده شده است (۲۲).

نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نسبت قانون اساسی مشروطه هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی نسبت به قانون اساسی مشروطه برتری دارد و در این قانون علاوه بر اینکه بخشی را به حقوق شهروندی اختصاص داده است. تمام اصول با رعایت حقوق شهروندی تهیه و تدوین شده‌اند. بنابراین در این قانون برتری کمی و کیفی درخصوص حقوق شهروندی به نسبت قانون اساسی مشروطه دارد.

با مطالعه‌ای در گذشته تاریخ حقوق اساسی ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی و تحلیل این دو قانون به این نتیجه رسیدیم که به لحاظ شکلی (قانون اساسی سخت و نرم) اگر بتوان با سهولت و راحتی اصول قانون اساسی را مورد بازنگری قرار داد، آن قانون اساسی نرم و انعطاف‌پذیر و اگر نتوان این کار را انجام داد و یا تجدید نظر همواره با دشواری و پیچیدگی باشد، قانون اساسی سخت و انعطاف‌ناپذیر است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی جزء قوانین اساسی نرم می‌باشد. به لحاظ حجم موضوعی همان‌طور که در بخش‌های قبل مقاله گفته شد، قانون اساسی مشروطه نخست با پنجاه و یک اصل شکل گرفت و سپس متمم قانون اساسی با یکصد و هفت اصل به آن اضافه گردید که در مجموع می‌توان اصول قانون اساسی مشروطه را یک صد و پنجاه و هشت اصل دانست، ولی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی یک صد و هفتاد و هفت اصل می‌باشد. بنابراین با نگاه آماری و به لحاظ کلی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی بیشتر از قانون اساسی مشروطه می‌باشد، و اما درخصوص حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل نهم از حفاظت جان، مال، مسکن و شرف مردم می‌گوید، اصل دهم از مکانیسم قانونی بودن بازداشت می‌گوید و اصل یازدهم اجباری نبودن محکمه را به بحث می‌گذارد. مجازات بر طبق قانون اصل دوازدهم می‌باشد. در قانون اساسی مشروطه شامل ۷ اصل می‌باشد که به ترتیب از اصل سیزدهم لغایت اصل نوزدهم را شامل می‌شود. اصل سیزدهم از امنیت مسکن می‌گوید، اصل چهاردهم از نفی کوچ اجباری صحبت می‌کند. نفی مصادره اموال در اصل پانزدهم آمده است و عدم ضبط املاک به عنوان مجازات در اصل شانزدهم به تصویر کشیده شده است. اصل هفدهم سلب تسلط مالکین از املاکشان را نفی کرده است. درواقع اصول سه‌گانه پانزده، شانزده و هفدهم در یک راستا در حمایت از حق مالکیت فردی مطرح شده است. آزادی تحصیل در اصل هیجدهم شرح داده شده است. اصل نوزدهم از اجباری و رایگان بودن تحصیل صحبت کرده است. قانون اساسی مشروطه بالاترین حجم موضوعی قانون به حقوق سیاسی و پایین‌ترین حجم موضوعی به حقوق اجتماعی

واقعی مکتسبه توسط ملت در جامعه می‌باشد. منظور این است که اگر ۶۲ درصد از حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه به (حقوق سیاسی) اختصاص دارد.

اختصاص دارد. حقوق مدنی نیز در این بین این دو حقوق جای می‌گیرد، اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی و با نگاه مدل مارشال ۱۶ اصل جزء حقوق مدنی می‌باشد. اصل نوزدهم از تساوی حقوق مردم می‌گوید. اصل بیستم از برابری همه در برابر قانون صحبت می‌کند. اصل بیست و یکم حقوق زنان را به رسمیت شناخته و آن را تضمین می‌کند.

اصل بیست و سوم از ممنوعیت تفتیش عقاید بحث می‌کند. آزادی مطبوعات، جوهره اصل بیست و چهارم را شکل می‌دهد. اصل بیست و پنجم از آزادی زندگی خصوصی می‌گوید. اصل سی و دوم بازداشت خودسرانه را نفی می‌کند. اصل سی و چهارم حق دادخواهی را به رسمیت می‌شناسد. حق انتخاب وکیل در اصل سی و پنجم متبلور شده است. اصل سی و ششم از قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها می‌گوید. اصل برائت درواقع اصل سی و هفتم می‌باشد. اصل سی و هشتم ممنوعیت شکنجه را مطرح می‌کند. منع حتک حرمت در اصل سی و نهم آمده است. و اصل چهلم از منع اضرار به غیر بحث می‌کند و حق تابعیت در اصل چهل و یکم به تصویر کشیده شده است.

در مقایسه دو قانون با هم نیز حقوق سیاسی مشروطه بیشتر از حقوق سیاسی به نظر می‌رسد، اوج تفاوت و اختلاف آماری بین ۲ قانون اساسی در حقوق مدنی می‌باشد. در حالی که تنها ۳۱ درصد حقوق ملت را در مشروطه حقوق مدنی پوشش می‌دهد. این نسبت در جمهوری اسلامی به ۵۹ درصد یعنی تقریباً دو برابر می‌رسد، استنباط اولیه و دریافت نگارنده از این مقایسه این می‌باشد که با گذشت حدود یک صد سال، ارزش و اهمیت آزادی‌های فردی که در حقوق مدنی باید آن را جستجو کرد، افزوده شده است، بسیاری از حقوق مدنی و آزادی‌های فردی اصلاً در زمان مشروطه در گفتمان و فضای فرهنگی و سیاسی آن دوره نقشی نداشت مثلاً بحث حقوق زنان و مسائل مربوط به آنان چون در یکصد سال پیش مطرح نبود. در اصل بیست و یکم به صورت آشکار و شفاف و صریح حقوق زنان را به رسمیت شناخته است، اما یک نکته مهم و اساسی را نیز در بحث (حجم موضوعی) باید در نظر داشته باشیم و آن هم نسبت این حقوق در قانون اساسی با حقوق

References

1. Abrahamian, Y, Iran between two revolutions- translated by Ahmad Golmohammadi-Mohammad Ebrahim Fattahi Tehran, Nashrni, 2000, 55.
2. Georgian Azandariani, A. A; Moradkhani, Fardin, The Development of the Concept of the Constitution in the Iranian Constitutional Revolution, Journal of the Quarterly Journal of Private Law Studies, No. 4, 2013, 165-184. [Persian]
3. Ghazi Shariat Panahi, A, Requirements of Constitutional Rights, Tehran, Justice, 2017, 35. [Persian]
4. Davari Ardakani- R, Politics, History, Thought-Saqi Publishing, 2014, 64. [Persian]
5. Hashemi, S. M. et al., Citizenship Law and Participatory Urban Development, Journal of Legal Research, No. 50, 2009, 80-49. [Persian]
6. Amid, H, Farhang Farsi Amid, Tehran, Amirkabir, 2015, 861. [Persian]
7. Doaago, H and Hashemi, S. M, The position of dignified citizenship rights in the doctrine of responsibility of protection in the light of international law, Journal of Ethical Research, No. 4, 2019, 106-83. [Persian]
8. Shahi, M. S; Jalali, M; The Role of Human Rights NGOs in the Development of International Law, Journal: Comparative Law Research ", No. 2, 2012, 99 to 126. [Persian]
9. Haki, F, Abstract of the ideal of social citizenship of the Iranian nation, Lohfekar Publications, Tehran, 2013, 12. [Persian]
10. Bigdeli-H, "Principles of Democracy and its Relationship with Religiosity", final section of Khordad newspaper, No. 230, 1999, 6. [Persian]
11. Aflatoun, Republic, translated by Fouad Rouhani, Tehran, Book Translation and Publishing Company, 2014, 132. [Persian]
12. Fani Yazdi, S. Y, Jurisprudential Principles of Citizenship Rights and Its Comparison with Western Societies, Master Thesis, Islamic University of Qom, Summer 2014, 17-18. [Persian]
13. Ismaili, R, Types of Citizenship Rights in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Isfahan Journal of Culture, No. 220, 2007, 106-111. [Persian]
14. Akbarzadeh, F, The Role of Leadership in the Constitutional, National and Oil Movement and the Islamic Revolution, Islamic Revolution Documentation Center, Tehran-First Edition-2001, 29. [Persian]
15. Ashouri, D, Political Encyclopedia, Tehran, Morvarid Publications, 2004, 76. [Persian]
16. Kasravi, A: Constitutional History of Iran, Negah, Tehran, Vol. I, 2003, 130. [Persian]
17. Shamim, A. A, Iran during the Qajar dynasty, Tehran, Maharat, Volume II, 2001, 465. [Persian]
18. Mehrabadi, M, Legislators in the Thought of a Group of Proponents and Opponents of the Constitution, Quarterly Journal of Specialized History Research, Islamic Azad University, Bojnourd, First Issue, 2007, 58. [Persian]
19. Malekzadeh, M, History of the Iranian Constitutional Revolution, Tehran, fourth edition, 1994, 408. [Persian]
20. Niavarani, S and Izadi, A, The Status of the Right to Minimum Social Welfare in the International Hum10-Johari, I, Al-Sahah, Beirut, Dar Al-Alam Al-Mullain, Fourth Edition, 1986, 1460. [Arabic]
- an Rights System, No. 59, 2018, 171-204. [Persian]
21. Saed, V, Asgari, Pouria, Amir, The Constitution in the Current Order, Majd, Tehran, Fourth Edition, 2012, 105. [Persian]
22. Tabatabai Motameni, M, Public Freedoms and Human Rights, University of Tehran Press, 2018, 147-149. [Persian]